

بمناسبت اولین سالگرد اعدام های ۱۹ اردیبهشت

و اعتصاب عمومی ۸۹ مردم کردستان



رضا کمانجر

روز ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۹ که مصادف با روز جهانی مادر بود، سران جنایتکار اسلامی در اوج بی رحمی و قساوت بدون اطلاع به خانواده‌ها و وکلای مدافع حکم اعدام فرزند کمانجر، شیرین علم هولی، علی حیدریان، فرهاد وکیلی و مهدی اسلامیان را فقط بخاطر اختلاف نظرانشان با جمهوری اسلامی و بخاطر فعالیتهای سیاسی و مدنیشان و بخاطر شهامت و مقاومتشان در مقابل شکنجه و زندان به اجراء در آوردند. اجرای این احکام کثیف و وحشیانه با واکنش سریع و نفرت افکار عمومی میلیونها انسان در سراسر جهان مواجه گردید.

ص ۳

گرایشات درون جنبش کارگری در کردستان

سخنرانی در نشست هفتم شورای کادرهای تشکیلات کردستان



رحمت فاتحی

فکر میکنم مظفر به موقعیت واقعی طبقه کارگر و حزب حکمتیست در جنبش کارگری کردستان به تفصیل بحث همه جانبه ای را ارائه داد. او در بحثش تلاش کرد نشان دهد که حزب حکمتیست علیرغم خط و سیاستهای کارگری و کمونیستی درست و تلاش زیاد برای جا انداختن خط سیاسی کمونیستی در درون جنبش کارگری ولی هنوز در عمل آن خط متمایز و کمونیستی در درون جنبش کارگری آنطور که باید نمایندگی نمی شود.

در نتیجه من فکر میکنم ما در این زمینه هر چند بحث کنیم و یا سمینار داشته باشیم و جوانب این بحث را روشن نماییم به خیلی لحاظ و جهت ما را در موقعیتی قرار خواهد داد که جایگاه و تعلق سیاسی و طبقاتی ما را ثابت میکند. حزب ما سنگ بنا و فلسفه وجودی خود را از همین جا میگیرد. روشن کردن جوانب این بحث بما کمک خواهد کرد که نقطه تاکید هایمان را کجا بگذاریم.

ص ۴

احزاب حاکم کردستان عراق بر سر دوراهی

سرانجام پس از بیش از دوماه جدال سیاسی مردم ازادپخواه و انقلابی کردستان عراق برای آزادی و رفاه، احزاب حاکم با لشکرکشی به شهرها و اعزام نیروی مسلح بیشتر، عملاً یک حکومت نظامی اعلام نشده را به مردم تحمیل کرده اند. در تهاجم نیروهای مسلح به مردم در میدانی آزادی و در خیابان ها و دانشگاه ها، صدها نفر زخمی شده اند. چادرها و سکوهای سرای آزادی سلیمانیه و دیگر شهرها سوزانده شده و گروه گروه مردم معترض و ازادپخواه دستگیر و روانه زندان و شکنجه گاه ها شده اند.

ص ۷

کارگران در کردستان اول مه را گرامی داشتند
سنندج، شهر اول مه های کارگری

تدارک اول مه در روزهای قبل از (۱۱ اردیبهشت) با تهدیدات پلیس و نیروهای دولتی روبرو شد. از جمله روز هشتم اردیبهشت خلیل کریمی کارگر جوشکارصنعتی در سنندج بعد از مذاکره با فرمانداری درمورد برگزاری اول مه، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به ستاد خبری منتقل شد. خلیل ساعتی بعد و پس از بازجویی و تهدید مبنی بر عدم شرکت در مراسم اول مه آزاد گردید. روز جمعه نهم اردیبهشت نیروهای امنیتی وانتظامی از تجمع فعالین اول مه در تفریح گاه باغ هفت آسیاب - آبیتر سنندج ممانعت کردند. علیرغم تهدید وکنترل نیروهای انتظامی بیش از دویست نفر از کارگران در این محل اول مه را جشن گرفتند. متعاقباً نیروهای امنیتی به تعقیب جمعیت، فیلم برداری و تهدید کارگران پرداختند.

روز دهم اردیبهشت ستاد خبری اداره اطلاعات وامنیت استان کردستان اقدام به احضار و بازداشت گسترده کارگران و فعالین اول مه در شهرهای کردستان کردند. از جمله در این روز گروهی از نیروهای امنیتی چندین بار به دفتر سندیکای کارگران خباز مراجعه کرده و اعضای سندیکا را تهدید نمودند که در صورت برگزاری هرگونه مراسم مورد تعقیب و بازداشت قرار میگیرند. عصر شنبه نیروهای امنیتی کریم احمدی را در مقابل سندیکای خبازان بازداشت و تا ساعت ده شب مورد بازجویی قرار داده و از او خواستند که از ارتباط با دیگرکارگران برای برگزاری اول مه خود داری کند.

در همین روز تعدادی از کارگران جوشکار و مکانیک شهرک صنعتی به خاطر داشتن قطعهنامه اول مه و تراکت در محل کار خود مورد بازخواست قرارگرفتند و از آنها خواستند تعهد بدهند که درمراسم اول مه شرکت نکنند.

همچنین نیروهای امنیتی فعالین کارگری شهر سنندج را به ستاد خبری احضار و از آنها خواستند که تعهد بدهند از هرگونه تجمع برای برگزاری اول مه خود داری کنند. اسامی احضار شدگان به ستاد خبری: خلیل کریمی - شریف ساعد پناه - صدیق کریمی - شیبت امانی - غالب حسینی - خالد حسینی و یدالله قطبی است.

روز شنبه دهم اردیبهشت ماه از طرف اداره اماکن نیروی انتظامی نامه ای به اصناف و اتحادیه فلزکاران و شورای شهر، شهرداری و اداره کارو امور اجتماعی سنندج ارسال شده و دستور دادند که به اماکن تحت کنترل خود هشدار دهند که هیچ گونه تجمعی به مناسبت اول مه در آن مکانها





مه را قرائت کردند. علاوه بر شهر سنج در شهرهای دیگر کردستان از جمله مهاباد، کامیاران، نقده، بانه و پاوه در روز جمعه ۹ اردیبهشت مراسم مختلفی در تفریح گاههای خارج از شهرها برگزار گردید. در این مراسم ها کارگران در مورد مسایل کارگری سخنرانی کرده و قطعنامه اول مه خود را قرائت نمودند.

بزرگداشت روز جهانی کارگر امسال در کردستان با تجمع و راه پیمایی های باشکوه هم طبقه ایهای خود در سراسر ایران و بویژه در خوزستان و پتروشیمی ها، با خواست "قراردادهای موقت قطعاً باید لغو گردند"، "آزادی تشکل و اعتراض و اعتصاب حق مسلم ما است" و "کارگران جهان متحد شوید" همراه بوده است.

کمیته کردستان حزب حکمتیست ضمن شادباش مجدد روز کارگر، دست همه فعالین و سازماندهندگان مراسم های اول مه را به گرمی می فشارد.

زنده باد اول مه

زنده باد همبستگی و اتحاد طبقاتی کارگران
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری-
حکمتیست

۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۱ مه ۲۰۱۱)

محل بازار شهر تجمع کرده و فعالین کارگری در مورد وضعیت کار و زندگیشان سخنرانی کردند. کارگران پلاکاردهای "کارگران جهان متحد شوید" و تراکت های حاوی مطالبات خود را در دست داشتند. مراسم علیرغم فشار و تهدید نیروهای امنیتی رژیم با شعارهای: "اعلام تعیین حداقل دستمزدها را پاره می کنیم"، "اعتصاب، تشکل و تجمع و اعتراض حق مسلم ما است" و... و با خواندن قطعنامه اول مه در میان شور و شوق کارگران و افراد حاضر در مراسم و با پخش شیرینی پایان یافت.

همچنین از ساعت ۶ بعد از ظهر صدها کارگر مراکز مختلف کارگری با تجمع در خیابان ناصر خسرو مراسم اول مه را آغاز کرده و به سمت میدان اقبال شروع به راهپیمایی کردند که با ممانعت نیروهای انتظامی روبرو شدند. در این تجمع و راهپیمایی کارگران شعارهای زیر را سر دادند: کارگر زندانی آزاد باید گردد. اعتراض، اعتصاب حق مسلم ما است. کارگران جهان متحد شوید.

همزمان امروز، کارگران کارخانه شیر سنج در مراسمی در مورد مسأله دستمزدها و مشکلات کارگری حرف زدند و به خواندن سرود پرداخته و قطعنامه اول

انجام نشود. با وجود این تهدیدات و فشارها جمع وسیعی از کارگران متشکل در اتحادیه جوشکاران، کارگران خباز، اتحادیه آزاد کارگران ایران، جمعی از فعالین کارگری شورایی و سایر نهادهای دست اندرکار اول مه، بیانیتهای و قطعنامه های جداگانه ای برای برگزاری اول صادر و در سطح شهر پخش کردند.

علیرغم کارشکنی و تهدیدات ارگانهای سرکوبگر مراسم اول مه در اکثر شهرهای کردستان برگزار گردید. سنج: سنج شهر اول مه های کارگری، امروز شاهد حضور کارگران، این صاحبان اصلی جامعه بود. روز ۱۱ اردیبهشت از ساعت ۱۱ صبح تا ۶ بعد از ظهر کارگران مراکز مختلف صنعتی، کارخانه و کارگاهها و بخش خدمات در تجمعات صد ها نفره از خیابان سیروس تا میدان انقلاب سنج تجمعات با شکوهی برپا کردند.

مراسم قبل از ظهر که توسط فعالین کارگری و کارگران جوشکار صنعتی سازمان داده شده بود با راهپیمایی کارگران خباز، جوشکاران و کارگران خدماتی و فصلی شهر سنج همراه خانواده هایشان شروع شد. کارگران در

گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید! به گارد آزادی پیوندید!



مردم آزادیخواه کردستان!

گارد آزادی نیروی متشکل و مسلح شما برای دفاع از خود در مقابل همه نیروهای ارتجاعی است. گارد آزادی، نیروی دفاع از انسانیت، آزادی انسانها، برابری انسانها، دفاع از حق برابر زن و مرد، حق کودک، آزادی کامل و بی قید و شرط بیان، تشکل و اجتماع، نیروی دفاع از دستاوردهای فکری و فرهنگی بشریت در مقابل فرهنگ ارتجاعی و عقب مانده و نیروی دفاع از حق شاد بودن و مرفه زیستن انسانها است.

گارد آزادی نیروی دفاع در مقابل هر کس و جریانی است که بخواهد بزور خود را به زندگی مردم تحمیل کند

زنان و مردان آزادیخواه! جوانان انقلابی!

هر کجا هستید، در محله و در شهر و روستا گروه های گارد آزادی را تشکیل دهید و از هر طریق که می توانید خود را مسلح کنید و با ما تماس بگیرید.

تلاش کنید در محل تان آزادی اندیشه و بیان و رفتار و فرهنگ انسانی و پیشرو، بخصوص علیه فشار و ستم بر زنان، تعرض به حقوق کودکان و تبلیغات قوم پرستانه، حاکم باشد.

فضای محل تان را بر فعالیت عوامل جمهوری اسلامی تنگ کنید. امکان فعالیت کمونیستی و آزادی خواهانه را در

اکتبر روز دوشنبه هر دو هفته یکبار منتشر میشود

سر دبیر: مظفر محمدی

آدرس تماس و ارسال مطلب برای اکتبر:

mozafar.mohamadi@gmail.com

سایت اکتبر:

www.oktoberr.org

تماس با دبیر کمیته کردستان

darabiabe@yahoo.com

عبدالله دارابی:

روابط عمومی کمیته کردستان

سالار کرداری

Rawabet.omumi.k@gmail.com

ادامه از صفحه ۱

بمناسبت اولین سالگرد اعدام های ۱۹ اردیبهشت ...

در اندونزی کارگران به نشانه اعتراض عکس فرزند کمانگر را به تی شرت‌های خود زدند و تظاهرات کردند، در افغانستان تظاهرات اعتراضی مردمی شکل گرفت که عکس سران جنایتکار رژیم اسلامی مانند خامنه‌ای، احمدی نژاد را به آتش کشیدند و به سفارت جمهوری اسلامی حمله کردند. در ترکیه تظاهرات مردمی شکوهمند اعتراضی برگزار گردید. روز ۲۳ اردیبهشت مردم کردستان در یک اعتصاب عمومی اعتراضی شرکت کردند که به تاریخ مبارزه عدالتخواهان مردم کردستان افزوده شده است. در اکثر کشورهای جهان مقابل سفارت‌های رژیم اسلامی به محل تظاهرات و اعتراض ایرانیان و احزاب سیاسی و آزادیخواهان تبدیل شد. در لندن و چند جای دیگر سفارت‌های رژیم اسلامی سنگباران و شیشه‌های سفارتخانه‌ها در هم شکسته شد.

سران جنایت پیشه اسلامی وقتی دیدند عمل شنیعشان با واکنش اعتراضی و نفرت مردم روبرو شده است در شهرهای کردستان حکومت نظامی غیره رسمی اعلام نشده‌ای را به اجرا در آوردند و به اذیت و آزار خانواده‌های اعدامیان و مردم معترض پرداختند و ده‌ها نفر را بازداشت و تهدید کردند و از ترس و وحشت اعتراض توده‌ای جنازه اعدامیان را به خانواده‌ها پس ندادند و حتی محل دفن عزیزان اعدامی را هم به خانواده‌ها اعلام نکردند.

یک ارزیابی فشرده

من قبلاً طی مطالبی به موضوع علت اجرای حکم اعدام فرزند کمانگر و ۴ نفر دیگر پرداخته‌ام، در این مطلب می‌خواهم جنبش اعتراض علیه اعدام این عزیزان و نقاط قوت و ضعف اعتراضات یک سال گذشته را مرور کنم و تأکیدی بر وظایفی که هم اکنون در پیش رو داریم بگذارم.

نقاط قوت:

واکنش سریع و بموقع میلیونها نفر در کردستان و سراسر جهان و محکوم کردن این عمل شنیع به شکل اعتصاب عمومی مردم در کردستان و ایجاد حلقه‌های عاطفی و معنوی مردم در دور خانواده‌های اعدام شده در کردستان و اعتراض و

تظاهراتی که اکثر شهرهای چهار گوشه جهان را در نوردید و سران رژیم جنایتکار اسلامی را به وحشت انداخته بود. نقش برجسته و انسانی دایه سلطنه رضائی مادر فرزند در ارسال پیامهای محکم، عمیق و انساندوستانه جهت مقاومت مردمی در مقابل با صدور و اجرای حکم شنیع اعدام و قدر دانی از حمایت‌های عاطفی و معنوی مردم از خود و خانواده‌های اعدامیان. دایه سلطنه رضائی که هم اکنون به چهره و شخصیت شناخته شده و قابل اعتماد جنبش علیه اعدام و شخصیت محبوب خانواده‌های اعدامی و زندانیان سیاسی ایران تبدیل شده است. فشار و پیگیری خانواده‌ها جهت پس گرفتن جنازه‌ها و حمایت‌های مردم از آنها نقاط قوتی هستند که طی تمام سال گذشته همچنان ادامه داشته است. مردم کردستان هم یک بار دیگر صف اتحاد و همبستگی قدرتمند خود را به نمایش گذاشتند که تجارب گران بهائی را برای مبارزه دوره آینده بر جا گذاشته است و نقاط قوت این اتحاد و همبستگی مانع اجرای حکم اعدام تعداد وسیعی از زندانیان سیاسی از کردستان از جمله حبیب الله لطفی و شیرکو معارفی شده‌اند.

نقاط ضعف:

در پی اجرای حکم اعدام آن عزیزان، از جمله فرزند کمانگر طیف قابل توجهی از فعالین کمپین نجات فرزند و زندانیان اعدامی دچار افسردگی و ناامیدی شدند. کمپین نجات فرزند بخصوص در داخل کشور دچار وقفه در ادامه فعالیت خود شدند. توقع از کمپین این بود که فعالیتش را برای تحویل جنازه‌ها در کنار خانواده‌ها ادامه میدادند و برای تحقق این امر همان روشهای قبلی مانند تهیه تومار، راه اندازی آکسیون، تحصن و تظاهرات را ادامه میدادند که متأسفانه با وقفه مواجه گردید و خانواده‌ها در ادامه تلاشهایشان فقط متکی به حمایت‌های معنوی مردم و نهادها بودند. اولین توقع این بود که جنازه عزیزان اعدامی را از طریق مبارزه و پافشاری مردم تحویل خانواده‌ها بدهند. مزدوران رژیم اسلامی با پا درمیانی جیره خورانی دیگر زیرعنوان نمایندگان کرد در شورای اسلامی به فریب خانواده‌ها جهت خسته، فرسوده و ناامید کردن آنها پرداختن و در نتیجه باعث لغو اعتراضات مردم در مقابل

استانداری کردستان در شهر سنندج و بعضی حرکات و فعالیت‌های دیگر شدند. یک نکته مهم که باید مورد توجه همه نهادها و سازمانها قرار می‌گرفت، تشخیص اوضاع سیاسی و توازن قوا بین نفرت عظیم توده‌ای بخصوص در کردستان و وضعیت نامناسب روحی نیروهای سرکوب‌گر در زمان بعد از اعدامها بود که متأسفانه مورد بررسی دقیق و توجه کافی قرار نگرفت و فرصتهای فراوانی از دست دادیم.

وظیفه امروز!

در جامعه ایران پدیده حکم اعدام به مصابه یک غده سرطانی برقلب جامعه سنگینی میکند. این پدیده احتیاج به علاج دارد و تنها درمان آن بزیر کشیدن رژیم اسلامی است. اما افسار زدن به قانون صدور حکم اعدام تنها وظیفه نهادها و سازمانهای حقوق بشری نیست. مسئله مقابله با حکم و اجرای اعدام مسئله جامعه است!

مسئله جنبشهای اجتماعی است، مسئله طبقه کارگر است، مسئله جنبش زنان، دانشجویان و جوانان است، مسئله احزاب و سازمانهای سیاسی است.

هم اکنون لسیت بلندی از فعالین سیاسی، مدنی و انسانی‌های بی‌گناه در انتظار کابوس اجرای حکم اعدام در زندانها بسر می‌برند. باید به حمایت و نجات آنها شتافت. باید جامعه را بر علیه حکم اعدام بسیج کرد. تنها با صف اتحاد و همبستگی میتوان مانع اجرای حکم اعدام عزیزان دریند میشویم.

در سالگرد اعدامهای ۱۹ اردیبهشت و اعتصاب عمومی در کردستان یکبار دیگر تلاش کنیم در همبستگی با خانواده‌های آن عزیزان این عمل شنیع سران رژیم اسلامی را در صدور و اجرای حکم اعدام محکوم کنیم و خواهان تحویل جنازه‌ها به خانواده‌هایشان شویم. جامعه ایران بخصوص جامعه کردستان باید بهر طریق ممکن نفرت و انزجار خود را از صدور و اجرای حکم اعدام ابراز دارد. باید از تلاش و ابتکار جوانان و مردم کامیاران جهت نام‌گذاری سمبلیک چهار راه اصلی شهر کامیاران به اسم فرزند کمانگر حمایت کرد. باید این الگو را در شهرها و مناطق دیگر هم به اجرا در آورد.

به امید روزی که غده سرطانی احکام اعدام را به زباله دان تاریخ ببندازیم.

پیام مادر فرزند کمانگر

فرزند فقط به خاطر کردستان کشته نشد، فقط به خاطر ایران کشته نشد، به خاطر هر انسان فقیری کشته شد که در هر گوشه دنیا محتاج نان است.

من افتخار میکنم که فرزند من، برادر و فرزند همه آزادی‌خواهان جهان شد. این پیام مرا به سراسر جهان برسانید. اگر اجازه داشته باشم از طرف همه این عزیزان (خواهران و مادران داغ‌دار) و همه کسانی که جگر گوشه‌هایشان در این ۳۰ سال کشته شده‌اند، می‌خواهم بگویم که ما مادران داغ‌دار نیستیم، بلکه ما مادران افتخاریم. (پنجشنبه ۳ تیر ماه ۱۳۸۹ - ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰)

ادامه از صفحه ۱

گرایش‌های درون جنبش کارگری در کردستان

شکل‌گیری گرایش‌ها در جنبش کارگری

شکل‌گیری گرایش‌ها در درون جنبش کارگری ناشی از موقعیتی است که طبقه کارگر دارد. آنهم بدلیل شرایطی است که سرمایه‌دار به طبقه کارگر تحمیل کرده است. طبقه سرمایه‌دار زندگی کارگر را بگروگان گرفته است. در نتیجه کار و زحمت کارگر سرمایه‌دار کرور کرور به جیب میزنند در حالیکه کارگر فقط بخاطر اینکه بتواند زنده بماند و نفس بکشد و زندگی بخور و نمیری را داشته باشد باید هر روزه مبارزه کند. علیرغم اینکه کارگر خود تمام ثروت و سامان جامعه را تولید میکند ولی خود از تمام نعمات جامعه محروم است و برای بهره‌مند شدن از حاصل حداقل امکاناتی که خود تولید کرده است ناچار است برای بدست آوردن آن مبارزه کند. کارگر در مبارزات روزانه اش راه‌های متفاوتی را انتخاب میکند. طبقه کارگر علیرغم موقعیت مساوی و مشترکی که در تولید دارند ولی برای دست‌یابی به خواسته‌هایشان و بهره‌مند شدن از زندگی انسانی و رهایی از زندگی برده‌وارشان همیشه افق‌هایشان مشترک نیست و یک راه را انتخاب نمیکنند. همه ما و طبقه کارگر، برای رهایی از شرایطی که از طرف طبقه سرمایه‌دار تحمیل میشود راه‌های متفاوتی از مبارزه را انتخاب میکنیم. نوع مبارزه کارگر گرایش‌ها را در درون جنبش کارگری را شکل میدهد. برای ما که سالها فعالین جنبش کارگری و جنبش‌های اجتماعی در کردستان بوده‌ایم مشاهده این گرایش‌ها در کردستان ملموس‌تر است. عملکرد گرایش‌ها در درون جنبش کارگری در مراحل میتواند خیلی رادیکال باشد و تا رسیدن به خواسته‌های کوتاه نیاید. در مراحل هم میتواند با تأثیر از گرایش‌ها غیره کارگری و فضایی که به او تحمیل میشود نوع دیگری عمل کند که بر ضد منافع خودش باشد. طبقه کارگر برای نمونه برای رهایی از موقعیت فلاکت‌ناش و بدلیل فضای سرکوب و غالب بودن گرایش‌ها ارتجاعی در جامعه به گرایش‌ها ناسیونالیستی و رفرمیستی تمایل پیدا کند و یا حتی به مذهب و خدا توکل کند. از جمله گرایش‌هایی که در کردستان عمل کرده گرایش‌ها آکسیونالیستی و ناسیونالیستی با الهام گرفتن از احزاب فعال در کردستان می‌توان نام برد. در دوره‌ای کارگران سرنوشت خود را به جنبش اعتراضی در کردستان گره زدند و رهایی خود را در

پیروزی جنبش ناسیونالیستی و رسیدن به استقلال کردستان از راه جنبش مسلحانه میدیدند. یا به طبع گرایش آکسیونالیستی ضد رژیم و گرایش غیر کارگری و بورژوازی که سیاست‌های خود را از احزاب چپ موجود در کردستان می‌گرفت سرنگونی رژیم که پرچم آن دست طبقه دیگری بود تلاش میشد به امرش تبدیل شود. در عین حال گرایش دیگری هم عمل میکرد و در دوره‌هایی خیلی هم قدرتمند بود گرایش کارگری و کمونیستی بود. گرایشی که راه‌هایی کارگر و جامعه را در سوسیالیسم و برابری انسان و در لغو کار مزدی و ارزش اضافه می‌بیند.

ما در مورد گرایش‌هایی که در درون جنبش کارگری عمل میکنند زیاد نوشته‌ایم و رفقای زیادی از ما در این رابطه حرف زده‌اند و فکر نمیکنم که ما در این رابطه کم آورده باشیم. ولی خود نوشته‌های ما به چه میزان به‌خالد زده است و یا بطور واقعی منعکس‌کننده شرایط و موقعیت طبقه کارگر و گرایش‌هایی که در درون طبقه کارگر عمل میکنند بوده است خود جای سؤال بزرگی است. بخصوص در کشورهای استبداد زده مانند ایران بحث در مورد گرایش‌ها درون طبقه کارگر کار ساده‌ای نیست. زیرا وقتیکه کارگر به وضع نابرابر و غیره انسانی خود اعتراض کند از طرف رژیم بعنوان نماینده بورژوازی ایران به وحشیانه‌ترین شیوه با اعدام، زندانی، شکنجه و اخراج و روبرو میشود. یا در شرایطی که کارگر حق ایجاد هیچ نوع تشکلی را ندارد و تشکلات کارگری از طرف جانیان سرمایه‌دار به خون‌کشیده میشود شکل‌گیری گرایش‌ها رادیکال کارگری کار سختی و حداقل شناخت از این گرایش‌ها کار ساده‌ای نیست. وقتیکه شما در مورد گرایش‌ها بحث میکنید لازم است که بدانید مشاهدات ما به چه میزان ملموس و یا متکی به فاکت‌های واقعی است.

در کشورهایی که حداقل آزادی تشکل موجود است بحث در مورد گرایش‌ها و مشاهده عملکرد این گرایش‌ها کار ساده‌تری است. برای روشن‌تر شدن بحث برای نمونه به جنبش کارگری در کشور انگلیس اشاره میکنم. در جریان بحران اخیر، اتحادیه‌های کارگری کنفرانس سراسری اتحادیه‌ها را داشتند. در این کنفرانس شما میتوانستید جهت‌گیری گرایش‌ها و آلت‌رناتیو آنها برای بیرون آمدن از بحران را به وضوح مشاهده کنید. باب کرو بعنوان نماینده اتحادیه کارگران ترانسپورت و قطار راه‌حلی این بود که کارگران و مردم انگلیس نباید از قوانین

این دولت تبعیت کنند و این فراخوان را به مردم میدهد. اینکه مردم و طبقه کارگر در انگلیس از فراخوان ایشان پشتیبانی میکنند یا نه مسئله دیگری است. یا در جواب به نمایندگان بخش‌های دیگر اتحادیه که از رئیس بانک مرکزی دعوت میکنند که در رابطه با بحران اخیر برای کنفرانس توضیح دهد، باب کرو با این پیشنهاد مخالفت میکند و میگوید کسی که خود بانی بحران و تحمیل فقر به کارگران است حق شرکت در کنفرانس اتحادیه را ندارد و وقتیکه نمیتواند بقیه نمایندگان اتحادیه را قانع کند به محض حضور رئیس بانک در کنفرانس خود و هیئت‌شان به اعتراض کنفرانس را ترک میکنند. (اینکه بانکها خود به چه میزان عامل بحران است یا خود معلول بحران است باید جای دیگری به آن پرداخت).

در حالیکه بخشی از نمایندگان اتحادیه‌ها از شرکت رئیس بانک مرکزی برای توضیح و توجیه بحران استقبال میکنند. همچنانکه در بالا اشاره کردم در کشوری مانند ایران که کارگران حق هیچ نوع تشکلی را ندارند باید در مورد گرایش‌ها بیشتر متکی به تحلیل و حدس باشید تا فاکت مشخص. یا بعضا گرایش‌ها حاشیه‌ای که در درون جنبش کارگری عمل میکنند را مبنا قرار دهید در حالیکه این گرایش‌ها نقش جدی در این رابطه ندارند و یا به گرایش‌ها اصلی درون طبقه کارگر بیربط‌اند. این گرایش‌ها بدلیل اینکه بنام کارگر صحبت میکنند،

از طرف ما هم مینای تحلیل و ارزیابی در جنبش کارگری قرار میگیرند. ما بارها وقتیکه در رابطه با گرایش‌ها نوشته‌ایم در خیلی موارد کمیته‌های هماهنگی، همبستگی و یا اتحادیه آزاد کارگران را مبنای نقد و ارزیابی قرار داده‌ایم. در این شکی نیست که این نهادها بر جنبش کارگری تأثیر دارند که من در ادامه بحثم به تأثیرات آنها اشاره خواهم کرد. من در این بخش از بحثم تلاش کردم نشان دهم که بحث و اظهار نظر در مورد گرایش‌ها در جنبش کارگری در ایران و به طبع آن در کردستان کار ساده‌ای نیست و پیچیده‌تر از آن است که ما فکر میکنیم.

گرایش‌ها و عملکرد آن در درون جنبش کارگری در کردستان

گرایش‌ها در درون جنبش کارگری در کردستان با گرایش‌هایی که در سطح سراسری عمل میکند در عین حال در خیلی مورد مشترک هستند ولی بعضا با هم تفاوت‌های دارند.

در ۲ سطح میتوان این تفاوت را دید. مهمترین آن پراکندگی طبقه کارگر در کردستان است.





منظور از پراکندگی این است که طبقه کارگر مانند شهرهای بزرگ ایران در صنایع بزرگ و در سطح هزاران نفری متمرکز نیستند. شاید با تاکید گفت که حداکثر تعداد کارگری که در یک مرکز کارگری در کردستان هست چند صد نفری بیشتر نیست. این مسئله خودش میتواند مانع جدی در راه ابراز وجود قدرتمند کارگران در تشکل های توده ایشان باشد. بقول مظفر علیرغم اینکه صدها هزار کارگر در کردستان در شرکتها و کارگاههای کوچک برده و ارکار میکنند ولی در اصل بدلیل سرکوب وحشیانه تشکل کارگران در کردستان از طرف رژیم و خود پراکندگی کارگران دست سرمایه دار را برای تحمیل بردگی به طبقه کارگر را باز گذاشته است. در چنین شرایطی گرایشاتی که شکل میگیرد عموماً محافظه کارانه است و بدرجات زیادی متأثر از جنبشهای غیر کارگری خارج از فعل انفعال و منافع جنبش کارگری است. تفاوت دیگری که میتوان به آن اشاره کرد حزبی بودن جامعه کردستان است. ما بارها بدرست گفته ایم که جامعه کردستان تحزب یافته است. در کردستان جنبش اعتراضی و رادیکال و برای دفاع از دستاوردهای انقلاب سال ۵۷ در مقابل ج.ا شکل گرفت. طبقه کارگر در کردستان در این جنبش نقش مهمی را داشت و بر این جنبش مهر خود را زد. ولی در عین حال گرایشهای دیگر هم ضمن شرکت فعال در جنبش اعتراضی و انقلابی در کردستان بر جنبش کارگری هم تأثیرات خود را گذاشتند و متأسفانه در ادامه خود، گرایشهای دیگر موفق شدند بدلیل غالب شدن جنگ مسلحانه در کردستان و متأثر شدن حزبی که بعنوان کمونیست و کارگر شناخته میشد از گرایشهای ناسیونالیستی خواسته های جنبش کارگری را حاشیه کرد و در واقع گرایش ناسیونالیستی و حزب آن موفق شد که سیاستهای ناسیونالیستی را بر جنبش اعتراضی تحمیل کند. جنبش کارگری هم نمیتوانست از آن متأثر نباشد. در حال حاضر هم علیرغم گذشت سه دهه از جنبش اعتراضی هنوز هم بدرجاتی از آن متأثر است. ولی تأثیرات آن در مراحل مختلف متفاوت بوده است. برای نمونه وقتی که جنبش اعتراضی در کردستان پیروزی و قطبنمای خود را از راه جنگ مسلحانه و پیشمرگ شدن ممکن میدانست (که خود جنگ مسلحانه و دست بردن طبقه کارگر به اسلحه امر ضروری است ولی در چه شرایط و با چه اهدافی جای بحث دیگری است) امکان نداشت که جنبش کارگری در کردستان از آن متأثر

نباشد. بخصوص حزبی که در کردستان بنام کارگر و کمونیست ظاهر میشد چرخش بزرگی کرد و جنگ مسلحانه و پیشمرگایه تی همه آمال شد و در واقع گرایش ناسیونالیستی در آن حزب غالب شد و بر مبارزات طبقه کارگر تأثیرات مهمی را گذاشت. در عمل مبارزات کارگری و خواسته های طبقه کارگر در فعالیت های این حزب را حاشیه ای کرد.

در واقع گرایش چپ در کردستان خود نقش به سزایی داشت در ناظر کردن سیاستهای ضدژیمی و حتی ناسیونالیستی بر مبارزات کارگران در کردستان. در نتیجه فعال کارگری در موقعیتی قرار میگرفت که برای اینکه مبارزاتش برسمیت شناخته شود لازم بود بدوا برادری خود را با جنبش مسلحانه ثابت میکرد و به جای اینکه فعال جنبش کارگری باشد و کارگران در محل کار و زندگیشان برای رفاه و شرایط بهتر در محل کار متحد و متشکل کند و حزبش هم تلاش میکرد که اساساً پایه های خود را به این جنبش وصل کند و خود آگاهی و توان مبارزاتی طبقه کارگر ارتقا دهد، فعالین و رهبران کارگری را از محل کار و مبارزه شان جدا میکرد و آنها را در هسته ها و حوزه های هوادارن سازمان میداد برای سرویس و خدمات دادن به جنبش مسلحانه در کردستان یا آنها را تشویق میکرد به پیشمرگ شدن. در این صورت بود که او را بعنوان فردی مبارز برسمیت میشناختند. متأسفانه جنبش کمونیستی و طبقه کارگر در کردستان رهبران و فعالین زیادی را قربانی گرایش ناسیونالیستی کرد.

در واقع یکی از دلایل مهم شکل گیری گرایش ناسیونالیستی در جنبش کارگری همین مسئله بود. گرایش ناسیونالیستی با محدود شدن جنگ مسلحانه و نقد تیز و روشن گرایش ناسیونالیستی از طرف کمونیسم کارگری در کردستان به احزاب راست و چپ، تا مقطع دهه ۹۰ و قبل از جنگ خلیج بدرجات زیادی حاشیه ای کرد. لازم است که اینجا جوابی به رفیق سلام بدهم. دیروز ایشان اشاره کرد به اینکه، من گفته ام که ما دیگر مسئله ایی بنام ناسیونالیسم در کردستان نداریم. ما در سمیناری که قبلاً در رابطه با بورژوازی کرد داشتیم گفتیم که برای کارگر و سرمایه دار کرد در کردستان مسئله ملی موضوعیت خود را از دست داده است. منظورم این نبود که گرایش ناسیونالیستی در کردستان عمل نمیکند. طبعاً تا وقتی که مسئله ملی در کردستان حل نشود این مسئله همیشه بعنوان ابزار و پرچمی در دست بورژوازی علیه منافع کارگر و مردم آزادیخواه بکار گرفته میشود. همچنانکه

مظفر هم در بحثش تاکید کرد منافع بورژوازی کرد و غیره کرد یکی شده است و مشترک میباشد در نتیجه مبارزه طبقه کارگر با بورژوازی کرد و دولتش نه بر سر مسئله ملی بلکه مستقیماً در رابطه با موقعیت و شرایط فلاکت باری است که بورژوازی در سطح محلی و سراسری به این طبقه تحمیل کرده است. طبقه کارگر در کردستان در حال حاضر به این فکر نمیکند که جواب خواسته های خود را از راه مبارزه برای رسیدن به دولت ملی و خودی بگیرند.

تأثیرات حزبی بودن جامعه کردستان

احزایی که در کردستان فعال بوده اند تلاش کرده اند که سیاستهای خود را به سیاستهای جامعه تبدیل کنند. احزایی که بنام کارگر و چپ صحبت کرده اند تلاش کرده اند که خواسته های چپ و کارگری را به پرچم اعتراضات کارگران و مردم تبدیل کنند. احزاب راست که مستقیماً نمایندگی بورژوازی را کرده اند تلاش کرده اند گرایش ناسیونالیستی را بخواست عمومی جامعه تبدیل کنند. بعد از جنگ خلیج و برتری پیدا کردن ناسیونالیسم کرد در منطقه، احزاب چپ و راست کلاً تأثیرات منفی روی جنبش کارگری در کردستان را داشته اند. از آن زمان علیرغم اینکه رهبران و فعالین کمونیست برای رسیدن کارگران به خواسته هایشان مبارزات زیادی را کرده اند

ولی بدلیل اینکه گرایش ناسیونالیستی و آکسیونیستی قطب نمای سیاستهای احزاب فعال در کردستان بوده است متأسفانه نه تنها موقعیت کارگر و توان مبارزاتی آن در تقابل با رژیم هار سرمایه داری بالا نرفته بلکه بدرجات زیادی مبارزات آنها افول کرده است. زیرا که جنبش کارگری همیشه از سیاستهای احزاب فعال در کردستان تأثیر گرفته است. تأثیرات سیاسی حزب دمکرات بعنوان نماینده بورژوازی کرد و ناسیونالیسم جای بحث زیادی نیست. این حزب همیشه در تقابل و علیه منافع کارگر عمل کرده و در واقع دشمن طبقاتی جنبش کارگری در کردستان بوده و هست. در مورد احزاب فعال چپ در کردستان و تأثیرات این احزاب بر جنبش کارگری من در بالا مختصراً اشاره کردم.

در حال حاضر هم در کردستان به تأثیر از این احزاب نهادهایی شکل گرفته که بنام طبقه کارگر و نیابت آنها در داخل کردستان فعالیت میکنند مانند کمیته های هماهنگی، پیگیری، اتحادیه آزاد کارگران و جمع های کارگری بی نام و نشان که وقتی به فعالیت و سیاستهای آنها نگاه میکنید آینه بالا نمایی از تحرکات و سیاستهای احزاب





چپ در کردستان هستند. فعالیت و سیاستهای این نهادها علیرغم دلسوزی که به حال کارگر را دارند و مشغله آنها کارگر میباشد عینا کپی فعالیت و سیاستهای این احزاب میباشد. طبقه کارگر و جنبش کارگری در کردستان برای آنها ابزاری است برای دست یابی این احزاب به سیاستهایشان. اگر این احزاب در جریان عمل، گرایش در درون جنبش کارگری در کردستان بودند این به خودی خود نه تنها اشکالی نداشت بلکه خیلی مثبت هم بود. ولی مشکل این است که این احزاب مدت ها است که از منافع کارگران فاصله گرفته اند و سیاست دیگری را که غیر کارگری میباشد را دنبال میکنند. برای این نهادها مانند احزابی که از آن متاثر هستند کارگر وقتی مهم است که دارد در خیابانها آکسیون یا تظاهرات میکند و در این حالت است که مبارزه کارگری برای این نهادها معنا و جایگاهی را دارد. مبارزات ضد رژیم و سرنگونی طلب بودن کارگر تمام اهداف این نهادها و احزاب چپ در کردستان میباشد. اینکه سرنگون شدن رژیم هم به چه میزان در راستای منافع کارگر است و کارگر را در چه موقعیتی قرار خواهد داد زیاد مسئله نیست مهم این است که کارگر ضد رژیم باشد همین و بس.

در جریان اعتراضات سال ۸۸ که از طرف موسوی و کروبی جناح سبز بورژوازی ایران فرخوان داده شد و علیرغم اینکه کاملا علیه منافع کارگران بود ولی این نهادها به تاثیر گرفتن از این احزاب زیر فشار قرار گرفتند که کارگر را به خیابان آورند و سرباز بورژوازی کنند که خوشبختانه طبقه کارگر در کردستان با این سیاست ارتجاعی همراهی نکرد.

روی دیگر فعالیت این نهادها بیشتر شبیه سازمانهای خیریه است که برای خودشان دفتر و دستکی را به هم زدند و منتظر این میشوند تا کارگری اخراج و یا شلاق بخورد و غیره پشت سر هم اطلاعیه های محکوم میکنم یا باید آزاد شوند صادر میکنند. ولی اینکه فعالیتهای این نهادها به چه میزان در سوخت و ساز مبارزات کارگران موثر هستند، تا چه اندازه حلقه واسط اتحاد در درون طبقه کارگر هستند، یا در موقعیت طبقه کارگر تغییری را حاصل کنند یا اینکه اعتماد و توانایی کارگران را و خود آگاهی آنها را بالا ببرند ظاهرا امر این نهادها نیست. یا اینکه در پیشبرد و پیروزی طبقه کارگر در مبارزه اقتصادی کارگران که روزانه اتفاق میافتد و به چه میزان در نتیجه تلاش آنها سفره

کارگران رنگین تر شده است شما در هیچ کجای فعالیتهای آنها مشاهده نمیکنید.

ولی گرایشی که ما نیز در جنبش کارگری آنرا نمایندگی میکنیم بعنوان کمونیستها و حکمتیستها علیرغم شفافیت و روشن بینی سیاسی که کاملا کارگری و کمونیستی است و در راستای منافع اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر است و بدرسرست گرایشات غیر کارگری این نهادها و احزاب چپ در کردستان را مورد ارزیابی و نقد قرار میدهد، در عمل تفاوت زیادی با عملکرد آنها نمیبینید. جریان ما که فلسفه وجودیمان رهایی طبقه کارگر است و باید بخش جدایی ناپذیر از گرایش رادیکال و کمونیستی درون جنبش کارگری باشیم چرا کارگران این تفاوت را بروشنی نمیبینند و یا سیاستهای این گرایش ملموس و قابل دسترس برای فعالین کارگری و کمونیستها نیست و بقول مظفر ما هم موقعیت بهتری از بقیه نداریم. در یک جمله چرا حزب ما نقطه اتکایی برای طبقه کارگر کردستان نشده تا طبقه کارگر با خیال راحت و با اتکا به این حزب مبارزات خود را پیش ببرد. آیا واقعا مانع جدی سر راه ما این نهادها هستند؟ گرایشات غیر کارگری آنقدر قوی است که مانع فعالیت و دخالت گرایشات کمونیستی در سرنوشت مبارزات و زندگی کارگران، و یا در فوکسیونها و پیشرویها و عقب نشینهای باشد؟ به نظر من اینطور نیست. وجود گرایشات دیگر و تاثیرات این نهادها بر جنبش کارگری واقعی است. ولی آنچه که عامل عدم پیشروی گرایش کمونیستی و کارگری است و نتوانسته سیاستهای خود را بر مبارزات کارگران در کردستان ناظر کند این است چون در عمل مبارزات کارگران امر روزانه اش نیست و مظفر به موارد خیلی زیادی اشاره کرد که مسئله و مشغله اش نیست. باید ما به آن جواب دهیم.

من همچنانکه به آن اشاره کردم مانع اصلی را در قوی بودن گرایشات دیگر نمیبینم. اگر موقعیت و جایگاه ما در جنبش کارگری بهتر از حال بود و سیاستهای حزب ما ناظر بود بر مبارزات کارگران بدون شک بخش زیادی از فعالین گرایشات و احزاب دیگر به جریان ما ملحق میشدند. بخش زیادی از این فعالین در غیاب ماست که به این گرایشات پیوسته اند چون گرایش کمونیستی و آلترناتیو آنها در موقعیتی نیست که به آن اتکا کنند و خیلی هم طبیعی است به شکل و یا نهاد قابل دسترس پیوست شوند. فعالین کارگری میبینند که این نهادها هستند تحرکاتی دارند از کارگر و مشکلات کارگران حرف میزنند در اول ماه مه و یا هشت مارسها حضوری دارند

در نتیجه میروند به آنها وصل میشوند. در حالیکه ما حتی جایی که حضور داریم در خیلی موارد مانند آنها عمل کرده ایم در آکسیونهایمان و یا در نوع تشکلاتی که به شکل گیری آن تلاش کرده ایم که تقریبا مشابه همین نهادها بوده اند. در بهترین حالت ممکن است که ما در بعضی از فعالیتهای این نهادها شرکت نکرده باشیم. در نتیجه میخوام بگویم که مشکل در رابطه با این نهادها نیست. مشکل ما جای دیگری است.

ما هم بعنوان حزب حکمتیست نتوانسته ایم گرایش سیاسی کارگری و کمونیستی را در جنبش کارگری در عمل جاری کنیم و یا تلاش کنیم که در این موقعیت قرار بگیریم. تا کارگر به آسانی بتواند به آن اعتماد و اتکا و بخشی جدایی ناپذیری در فونکسیونهای جنبش کارگری باشیم. طبقه کارگر در این حالت میتواند به این حزب تکیه کند و متوجه میشود که اگر این حزب را از آن خود بدانند زندگی اقتصادیش عوض میشود. میداند با بودن با این حزب میتواند در سرنوشت سیاسی جامعه تاثیر گزار باشد. در نتیجه ما هیچ راهی را نداریم تا وقتی که در عمل خواست و پلاتفرم کارگران به سیاستهای روزانه این حزب تبدیل نشود و مسائلی که در حال حاضر کارگر با آن درگیر است و از آن رنج میبرد به امر این حزب تبدیل نشود و پایه های حزب روی آنرا بنا نکنیم انتظار نداشته باشیم که موقعیت ما هم بهتر از حالا بشود. ما درست است که روزانه در مورد موقعیت طبقه کارگر از موقعیت شغلیش، دستمزدش، اخراج و غیره نوشته ایم. ولی برای جا انداختن سیاستهایمان و غیره با کلی ابهام روبرو هستیم. ما تنها نمیتوانیم با نوشتن و گفتن، سیاستهای خود را به سیاست فعالین کارگری و طبقه کارگر تبدیل کنیم.

کارگر به مادیات زندگی خود مانند همه فکر میکند و حزب به چه میزان به مادیات زندگی او وصل است فکر میکند و در همین رابطه است خود را و سرنوشتش را به این حزب وصل میکند. اینها مسائلی است که کمیته کردستان لازم است روی آن خم شود و در جزئی ترین شکلش برای آن نقشه داشته باشد و آنرا به امر روزانه خود تبدیل نماید. در غیر این صورت صد سال دیگر هم اگر ما به خودمان بگویم کمونیست هستیم منافع کارگر منافع ماست ما نماینده گرایش رادیکال و کارگری هستیم باز هم موقعیت ما عوض نمیشود مگر اینکه پایه های این حزب، سیاستهایش و مشغله هایش طبقه کارگر باشد و نبضش با نبض طبقه کارگر بزند.

احزاب حاکم کردستان عراق بر سر دو راهی

ادامه از صفحه ۱

که کشته داده اند، زخمی شده اند، دستگیر شده اند، خستگی و گرسنگی کشیده اند، اما مبارزه سیاسی و حق طلبانه و شرافتمندانه خود را ادامه داده و توطئه های تبدیل مبارزانشان به درگیری نظامی را خنثی کرده اند.

کشاندن جدال سیاسی مردم به یک جنگ داخلی را دارند. کارگران و کمونیست ها و در راس آنها حزب کمونیست کاگری کردستان امید پیروزی مبارزه آزادیخواهانه مردم با کم ترین مشقات و بیشترین دستاوردها هستند.

راه جلوگیری و پشیمان کردن حاکمان از تبدیل جدال سیاسی مردم به جنگ و خونریزی، به میدان آمدن هر چه وسیع تر توده های میلیونی کارگر و زحمتکش و دانشجو و فرهنگی و همه اقشار اجتماعی است که قدرت سرکوب را از دشمنان مردم می گیرد. جنبش اعتراضی مردم هر اندازه توده ای تر، همه گیر و وسیع تر گردد، از میزان خطر حملات و جنایت افرینی دشمنان می کاهد.

به تعطیل کشاندن شهرها، مغازه ها، مدارس و ادارات و کارخانه ها و تجمعات میلیونی با سرازیر شدن مردم از محلات کار و زندگی به میدان شهرها، آن راه کوتاه تر و کم درد و کم دردسرت تر مردم است که دست هر گونه تهاجم مسلحانه احزاب حاکم را می بندد.

این اقدام ضد مردمی در همان حال هشدار است به مردم آزادیخواه و انقلابی کردستان که سربازان و نظامیان عرب زبان همانند پیشمرگان کرد زبان، تنها ابزار و وسیله سرکوب حاکمان و سرمایه داران هستند و خود قربانی اند. باید با هشیاری این دسیسه کثیف را خنثی کرد. از همه سربازان و نظامیان اعم از عرب و کرد و ترکمن زبان، باید خواست که به روی همسرنوشتان خود شلیک نکنند و به ابزار سرکوب دشمنان خود تبدیل نگردند. این جنگ و جدال کردها و عرب زبان ها نیست. جدال سیاسی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و روشنفکران و فرهنگیان جامعه برای آزادی و خوشبختی و رفاه و برابری و علیه تبعیض و ستم و سرکوب حاکمان زر و زور است. شواهد و تجارب تاکتونی نشان داده و می دهد، که سرکوب و تهدید نظامی و کشتار و ارباب کارساز نیست. آزادیخواهان و انقلابیون کردستان نیمه راه را رفته اند. این موج عظیم انساندوستی و آزادیخواهی را نمی توان متوقف کرد.

باید راه تحمیل یک جنگ داخلی و راه انداختن یک حمام خون که هزینه گزاف و جبران ناپذیری به مردم تحمیل می کند را از احزاب میلیشیای حاکم گرفت. ناسیونالیستهای در حاکمیت و در اپوزیسیون، مذهبی ها و ... ظرفیت

این اقدام ضد مردمی در همان حال هشدار است به مردم آزادیخواه و انقلابی کردستان که سربازان و نظامیان عرب زبان همانند پیشمرگان کرد زبان، تنها ابزار و وسیله سرکوب حاکمان و سرمایه داران هستند و خود قربانی اند. باید با هشیاری این دسیسه کثیف را خنثی کرد. از همه سربازان و نظامیان اعم از عرب و کرد و ترکمن زبان، باید خواست که به روی همسرنوشتان خود شلیک نکنند و به ابزار سرکوب دشمنان خود تبدیل نگردند. این جنگ و جدال کردها و عرب زبان ها نیست. جدال سیاسی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و روشنفکران و فرهنگیان جامعه برای آزادی و خوشبختی و رفاه و برابری و علیه تبعیض و ستم و سرکوب حاکمان زر و زور است. شواهد و تجارب تاکتونی نشان داده و می دهد، که سرکوب و تهدید نظامی و کشتار و ارباب کارساز نیست. آزادیخواهان و انقلابیون کردستان نیمه راه را رفته اند. این موج عظیم انساندوستی و آزادیخواهی را نمی توان متوقف کرد.

این اقدام ضد مردمی در همان حال هشدار است به مردم آزادیخواه و انقلابی کردستان که سربازان و نظامیان عرب زبان همانند پیشمرگان کرد زبان، تنها ابزار و وسیله سرکوب حاکمان و سرمایه داران هستند و خود قربانی اند. باید با هشیاری این دسیسه کثیف را خنثی کرد. از همه سربازان و نظامیان اعم از عرب و کرد و ترکمن زبان، باید خواست که به روی همسرنوشتان خود شلیک نکنند و به ابزار سرکوب دشمنان خود تبدیل نگردند. این جنگ و جدال کردها و عرب زبان ها نیست. جدال سیاسی کارگران، زحمتکشان، زنان، جوانان و روشنفکران و فرهنگیان جامعه برای آزادی و خوشبختی و رفاه و برابری و علیه تبعیض و ستم و سرکوب حاکمان زر و زور است. شواهد و تجارب تاکتونی نشان داده و می دهد، که سرکوب و تهدید نظامی و کشتار و ارباب کارساز نیست. آزادیخواهان و انقلابیون کردستان نیمه راه را رفته اند. این موج عظیم انساندوستی و آزادیخواهی را نمی توان متوقف کرد.

باید راه تحمیل یک جنگ داخلی و راه انداختن یک حمام خون که هزینه گزاف و جبران ناپذیری به مردم تحمیل می کند را از احزاب میلیشیای حاکم گرفت. ناسیونالیستهای در حاکمیت و در اپوزیسیون، مذهبی ها و ... ظرفیت

این تهاجم برای آزادیخواهان و انقلابیون شهرهای کردستان قابل پیش بینی و انتظار بود. زیرا در تمام این مدت تظاهرات و میتینگ های توده ای و طرح مطالبات آزادیخواهانه و انساندوستانه، حاکمین خودگمارده، با اظهارات ضد و نقیض، وعده ها و تهدیدهایشان نشان دادند که تمایلی به پاسخ به خواستهای مردم به پا خاسته ندارند. احزاب میلیشیای مافوق مردم، در تمام این مدت با وقت کشی هایشان انتظار داشتند مردم در خیابان ها و میدانی شهرها و در مبارزات طولانی شان خسته شده و به خانه هایشان برگردند. وقتی از این توقع خود مایوس شدند، نهایتاً راهی را انتخاب کردند که قذافی، بشار اسد، علی عبدالله صالح ها و ... بر علیه مبارزات حق طلبانه مردم بکار می برند. اما برای هیچکدام از حاکمان مستبد از دمشق و طرابلس و عدن و بحرین تا اربیل و سلیمانیه راه بازگشتی نمانده است. حاکم مستبد و غارتگر سرمایه و ثروت های جامعه، به انتهای خطر رسیده اند.

جنبش اعتراضی و آزادیخواهانه در کردستان عراق پس از تهاجم نظامی اخیر مصمم تر و با روحیه تر بر خواستهایش پای می فشارد. آزادیخواهان و انقلابیون وعده برگشتن و فتح مجدد میادین آزادیشان را می دهند. دانشجویان و معلمان دانشگاه سلیمانیه اعتصابی را شروع کرده اند که می گویند تا بیرون رفتن نیروهای مسلح از شهرها را ادامه خواهد داشت. کارگران کردستان اعلام کرده اند که تا چند روز آینده، در اول مه امسال، در صف هزاران و ده ها هزار نفری در شهرها راه افتاده و در سلیمانیه به طرف سرای آزادی راه پیمایی خواهند کرد. اکنون احزاب حاکم بر سر این دو راهی قرار دارند که از تهاجم نظامی پشیمان شده و نیروهایشان را از شهرها بیرون ببرند و یا یک جنگ تمام عیار را به مردم تحمیل کنند.

حکومت نظامی و اشغال شهرها، اعلان جنگ آشکار به مردمی است که بیش از ۶۰ روز است خستگی ناپذیر در میدان های آزادی مانده اند و بر خواستهای آزادی و رفاه و رفع تبعیض و برای یک زندگی بهتر اصرار می ورزند. مردمی

آزادی ، برابری ، حکومت کارگری

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۵ اردیبهشت ۹۰ (۲۵ آوریل ۲۰۱۱)